**بسمهتعالی**

****

 **اقتـصاد و فـرهنگ (جلسه دوم)**

**مقطع کارشناسی حرفه ای رشته مدیریت امورفرهنگی**

**دانشگاه جامع علمی–کاربردي**

 **تهیه و تدوین : سودابه تصاعدیان**

فهرست

فصل اول = مفاهیم کلی علم اقتصاد

 بخش اول : تعاریف و ادبیات اقتصادی

 بخش دوم : بازار , تقاضا , عرضه و تعادل در بازار

 بخش سوم : نظام بودجه بندی و مروری بر قانون بودجه کشور

 بخش چهارم : تحلیل تورم , سیاستهای پولی و بانکی

 بخش پنجم : بازار کار و سیاستهای اشتغال

فصل دوم = اقتصاد فرهنگ

 بخش اول : تعاریف

 بخش دوم : نقش فرهنگ و هنر در توسعه اقتصادی

 بخش سوم : سیاستگذاری اقتصادی در بخش فرهنگ و نقش اقتصاد در توسعه فرهنگی

فصل سوم = اقتصاد صنایع فرهنگی

 بخش اول : درآمدی بر اقتصاد صنایع فرهنگی

 بخش دوم : نقش صنایع فرهنگی و هنری در اقتصاد

 بخش سوم : نگاهی به سرمایه گذاری اقتصادی در صنایع فرهنگی جامعه

 بخش چهارم : فعالیت های فرهنگی به عنوان بخش هزینه ای یا درآمد زایی

 بخش پنجم : فرهنگ و هنر و حمایت مالی

 بخش ششم : جنبه های اقتصادی میراث فرهنگی

فصل چهارم = قیمت کالای فرهنگی

 بخش اول : آشنایی با نظام قیمت گذاری کالاهای فرهنگی و هنری

 **بخش دوم : روش های ارزش گذاری در علوم اجتماعی و انسانی**

 **بخش سوم : روشهايقیمت گذاريكالاهاوخدماتفرهنگي**

**فصل پنجم = اقتصاد و اخلاق**

**فصل ششم = اقتصاد اطلاعات**

**تعريف عرضه :** مقاديري ازيك كالا یا خدمت است كه هرتولیدكننده حاضراست درقيمت هاي مختلف طي يك دوره زمانی به بازار ارایه كند. عرضه نیز مانند تقاضا یک متغیر جریان است.

**عوامل موثر بر عرضه**

عوامل متعددی بر میزان عرضه ی یک کالا اثر میگذارند, یعنی تغییرات این متغیر ها باعث کم یا زیاد شدن میزان عرضه میشود. 4 مورد از مهمترین این متغیرها عبارتند از : قیمت کالا , تکنولوژی تولید , قیمت عوامل تولید و انتظارات تولید کننده . تبعیت عرضه از این متغیر ها را به شکل ذیل با زیان نمادهای ریاضی می توان نوشت که با آن مدل گویند:

$Q\_{x}^{s}$*=* $f\left(P\_{x} ,T , T\_{c}, E \right)$

که در آن $Q\_{x}^{s}$ نماد مقدار تقاضای کالا ی x است و $P\_{x}$ قیمت کالای x و $T$تکنولوژی تولید و $T\_{c}$قیمت عوامل تولید و $E$ انتظارات تولیدکننده می باشد.

حال به بررسی تاثیر هریک از عوامل بر مقدار عرضه می پردازیم.

**الف: تاثیر قیمت کالا بر مقدار عرضه :** برای بررسی تاثیر قیمت کالا بر میزان عرضه ی کالا , در مدل فوق , به جز قیمت کالا همه عوامل را ثابت فرض میکنیم تا از مدل خارج شوند. در این صورت مدل به شکل $Q\_{x}^{s}$*=* $f\left(P\_{x}\right)$ در می آید که به آن تابع عرضه گویند.بنابراین تابع عرضه تابعی است که رابطه بین قیمت کالا و مقدار عرضه کالا را نشان می دهد و بیان می کند که مقدار عرضه از تغییرات قیمت کالا تبعیت می کند.شكل هندسي تابع عرضه رامنحني عرضه مي نامند.

بين قيمت ومقدارعرضه رابطه اي مستقيم وجود دارد. به رابطه مستقیم بین قیمت کالا و مقدار عرضه , قانون عرضه گویند. منحني عرضه شيبي صعودي دارد زيرا درقيمت بالاتر توليدكننده به عرضه بيشتركالا تشويق مي شود.

**نکته1:** به هنگام افزایش یا کاهش قیمت یک محصول , صرفاً بر روی منحنی عرضه ی آن محصول از یک نقطه به نقطه دیگر حرکت می کنیم. یعنی تغییر قیمت باعث حرکت بر روی منحنی عرضه می شود.

**نکته 2:** با فرض ثابت بودن قیمت کالای مورد نظر, هرکدام از عوامل دیگر موثر بر عرضه که تغییر کنند , منحنی عرضه به صورت موازی , جا به جا می شود .جهت جا به جایی بستگی به نوع تغییر عامل متغیر دارد.

**ب:تاثیر تکنولوژی تولید بر مقدار عرضه :** یکی دیگر از عواملی که میتواند بر مقدار عرضه و منحنی عرضه تاثیر گذارد , تکنولوژی تولید است . تکنولوژی عبارت است از روشهای شناخته شده برای ترکیب عوامل تولید مختلف , به منظور تولید یک کالای خاص. بکارگیری تکنولوژی تولید پیشرفته منجر به کاهش هزینه های تولید شده و در نتیجه تولید کننده می تواند همان مقدار کالای قبلی را با قیمت کمتر به بازار عرضه نموده یا در همان قیمت قبلی مقدار بیشتری کالا به بازار عرضه نماید و این خود منجر به انتقال منحنی عرضه به سمت راست می شود. و برعکس. یعنی رابطه بین تکنولوژی تولید و مقدار عرضه , مستقیم است .

**پ: تاثیر قیمت عوامل تولید بر مقدار عرضه :** قیمت عوامل تولید (نیروی انسانی , تجهیزات , مواد اولیه , سرمایه , زمین و .... ) نیز بر مقدار عرضه تاثیر میگذارد . یعنی اگر قیمت عوامل تولید افزایش یابد , هزینه تولید افزایش یافته و در نتیجه تولید کننده در همان قیمت قبلی مقدار کمتری تولید کرده یا همان مقدار قبلی با قیمت بیش تری عرضه می نماید و بالعکس . یعنی رابطه بین قیمت عوامل تولید و مقدار عرضه معکوس است . در این حالت نیز با افزایش عرضه , منحنی عرضه به سمت راست و با کاهش عرضه , منحنی عرضه به سمت چپ انتقال خواهد یافت .

**ت : تاثیر انتظارات بر مقدار عرضه :** منظور از انتظارات , پیش بینی عرضه کننده از قیمت کالا در آینده است .اگر تولیدکننده انتظار افزایش قیمت کالای مورد نظر را در آینده داشته باشد , در حال حاضر کمتر عرضه خواهد کرد و برعکس.

**تعريف تعادل , قیمت و مقدار تعادلی**

قیمت و مقدار تعادلی نقطه ای است که در آن عرضه و تقاضا با یکدیگر برابرند.اگر تقاضا بیشتر از عرضه باشد, مازاد تقاضا و اگر عرضه بیشتر از تقاضا باشد با مازاد عرضه روبه رو خواهیم بود.

در نظام بازار آزاد قيمت تعادلي و مقدار تعادلي يك كالا با عرضه و تقاضاي بازار براي آن كالا تعيين مي شود. قيمت تعادلي يك كالا قيمتي است كه در ازاي آن, مقدار كالايي كه مصرف كنندگان حاضرند در يك دوره زماني خاص بخرند دقيقاً برابر مقداريست كه توليدكنندگان آن كالاحاضرند عرضه كنند. درقيمت هاي بالاتر از قيمت تعادلی , مقدار تقاضا از مقدار عرضه كمتر است. درنتيجه مازاد عرضه سبب فشاربرقيمت مي شود و قیمت را کاهش میدهد. کاهش قیمت کالا, طبق قانون عرضه موجب کم شدن عرضه میگردد تا زمانی که تعادل مجددا برقرار شود. درقيمتهاي پایین تراز قيمت تعادلي, مقدار تقاضا از مقدار عرضه بيشتر است وكمبود عرضه قيمت را به سمت قيمت بالاتر سوق ميدهد. افزایش قیمت طبق قانون تقاضا موجب کاهش تقاضا می گردد تا جایی که مجددا تعادل برقرار شود.پس از به تعادل رسيدن قيمت تعادلي ميل به باقيماندن دارد.

**بخش سوم )نظام بودجه بندی و مروری بر قانون بودجه کشور**

در گذشته فرانسويان كلمه «بوژت» را به معني كيف يا كيسه چرمي كوچك به كار مي برده اند. اين كلمه نخستين بار در انگلستان براي كيف كوچك حاوي مهر «وزارت دارايي» آن كشور و سپس نام كيفي گرديد كه بصورت دريافتها و پرداختهاي كشور را در آن مي نهادند. در سال 1733 زماني كه وزير دارايي انگلستان صورت دريافتها و پرداختها و گزارش مالي سالانه كشور را براي نمايندگان مردم مطرح ساخت، نويسنده ناشناسي در جزوه اي با عنوان «كيسه اش باز شد,به سياست وزير داراي حمله نمود و او را به شعبده بازي تشبيه كرد كه كيسه حقه ها و كلكهاي خود را گشوده است و به طعنه گفته شد سفره اش-بودجه اش- را گشوده است. كلمه« بوژت» فرانسوي اندك اندك انگليسي شد و به صورت «باجت»درآمد و سپس بدان شكل به فرانسه بازگشت و با گويش فرانسوي «بودجه» مرسوم شد.

تعريف بودجه

تعريف هاي زيادي براي بودجه شده است كه به چند نمونه از آن به شرح زير اشاره مي شود:

* بودجه دخل و خرج دولت است .
* اولين تعريف قانوني كه از بودجه در نظام حقوقي مالي ايران به عمل آمده است در ماده يك قانون محاسبات عمومي مصوب مورخ 21 صفر 1329 هجري قمري مطابق با سال 1289 شمسي است كه بودجه را چنين تعريف كرده است: «بودجه دولت سندي است كه معاملات دخل و خرج مملكتي براي مدت معيني در آن پيش بيني و تصويب  مي گردد. مدت مزبور را سنه مالي مي گويند كه عبارت از يك سال شمسي است.
* دومين تعريف قانوني مربوط به قانون محاسبات عمومي مصوب 16 اسفند 1312شمسي مربوط مي شود كه چنين آمده است: بودجه لايحه پيش بيني كليه عوايد و مخارج مملكتي است براي مدت يكسال شمسي كه به تصويب مجلس شوراي ملي رسيده باشد.
* سومين تعريف قانوني مربوط به قانون محاسبات عمومي مصوب 15 ديماه 1349شمسي است كه بودجه را چنين تعريف نموده است: «بودجه كل كشور برنامه مالي دولت است كه براي يك سال مالي تهيه و حاوي پيش بيني درآمدها و ساير منابع تأمين اعتبار و برآورد هزينه ها براي انجام عملياتي كه منجر به وصول به هدفهاي دولت مي شود و از سه قسمت تشكيل مي شود:

1- بودجه عمومي دولت2- بودجه شركت ها3-بودجه موسساتي كه تحت عنوان غير از عناوين فوق در بودجه كشور منظور مي شود.

* چهارمين تعريف مربوط است به قانون محاسبات عمومي كشور 1/6/1366 مجلس شوراي اسلامي، در اين قانون، بودجه كل كشور چنين تعريف شده است: بودجه كل كشور برنامه مالي دولت است كه براي يك سال مالي تهيه و حاوي پيش بيني درآمدها و ساير منابع تأمين اعتباروبرآورد هزينه ها براي انجام عملياتي كه منجربه نيل سياستها و هدفهاي قانوني مي شود.

با دقت بيشتر در تعريف بودجه متوجه مي شويم كه سه جنبه سياسي، مالي و  برنامه اي جزو ماهيت بودجه بوده، هر تعريفي از بودجه بايد بر پايه هاي سه گانه مذكور تكيه داشته باشد. منتها هر دسته از تعاريف بودجه به مناسبت شرايط و اوضاع و احوال حاكم، بر يكي از جنبه هاي سه گانه فوق تآكيد بيشتري نموده است. به بيان ديگر هر نوع بودجه به مفهوم واقعي آن داراي آثار و ابعاد سياسي، مالي و برنامه اي است و اين سه بعد از هم جدا نشدني و ذاتي بودجه بوده، در همديگر تأثير متقابل و مداوم دارند.

با توجه به مجموع تعاريفي كه از بودجه وجود دارد مي توان عناصر تشكيل دهنده آن را برشمرد:

1. بودجه برنامه مالي دولت است؛
2. بودجه براي يك سال مالي تهيه مي شود؛
3. بودجه پيش بيني آينده است؛
4. بودجه در برگيرنده كل درآمدها و هزينه هاي دولت در قالب بودجه عمومي، بودجه شركت هاي دولتي و بودجه ساير موسسات انتفاعي وابسته به دولت مي باشد؛
5. هزينه ها براي نيل به سياست ها و هدفهاي معين و قانوني دولت مي باشد؛
6. سندي است كه بايد به تصويب قوه مقننه برسد؛
7. هيچ دولتي بدون داشتن بودجه نمي تواند دست به فعاليتي بزند.

**اصول بودجه**

نقطه نظرات صاحب نظران پيرامون اصول بودجه با يكديگر تفاوت دارند. ولي اين تفاوت نظر كلي نبوده و در بعضي از اين اصول يك توافق نظر ضمني وجود دارد. با توجه به تفاوتي كه در ساختار دولت، اختيارات دولت و نوع حكومت در بين جوامع مختلف وجود دارد و همچنين پويايي وظايف و اختيارات دولتي در طول زمان، اين تفاوت ها قابل توجيه مي باشند. معمولاً اطلاق واژه «اصل» بدان گونه از قواعد و مقررات صورت مي گيرد كه چه از نظر مكان و چه از نظر زمان غير قابل تغيير باشند. در حاليكه نبايد به دلايل بالا آنچه كه به صورت متعارف اصول بودجه خوانده مي شوند تحت شرايط متفاوت تغيير كرده و يا به راحتي و بدون ايجاد مسأله اي از سوي دولتي ناديده گرفته شوند. در نتيجه استفاده از كلمه «اصل» براي بيان قواعد و ضوابط بودجه شايد چندان مناسب نباشد. به هر حال از آنجا كه استفاده از اين واژه در عمده كتابهاي ماليه متداول است در اينجا نيز ما به تبعيت براي بيان و معرفي قواعد، مقررات و ضوابط مفيد در تهيه و تنظيم بودجه از واژه «اصل» استفاده مي كنيم.

1-اصل سالانه بودن بودجه

در عمده تعاريف از بودجه اشاره شده است كه بودجه يك «پيش گويي» است. از انجا كه زمان در پيش گويي يك عامل عمده است، براي بودجه نيز زمان يك «اصل»محسوب مي شود. اما چه مدت از زمان در بودجه مورد پيش گويي قرار مي گيرد؟ الزاماً مدت زمان بودجه نمي تواند اصل باشد. به هر حال به صورت قاعده و عمدتاً بودجه براي يك سال تهيه مي شود كه با توجه به سال قانوني در ايران عرفاً يك سال شمسي است. به اين صورت كه خط مشي ها، سياستها، برنامه ها، عمليات، درآمدها و هزينه ها و بالاخره كليه محتويات بودجه براي يك سال شمسي پيش گويي مي گردد. از آنجائيكه تهيه و تنظيم بودجه كاري دشوار و زمان بر است و گاه بيش از نيمي از سال را به خود اختصاص مي دهد، گاه از طرف بعضي از صاحب نظران پيشنهاد شده است كه بودجه براي زماني طولاني تر از يكسال تهيه و تنظيم شود. چنانچه بنابه هر دليلي بودجه سال آتي مصوب نشد دولت براي پيشبرد امور مي تواند به اندازه بودجه سال قبل را براي فررودين ماه استفاده كند كه به آن بودجه  مي گويند و اگر براي ارديبهشت آماده نشد مي تواند از بودجه  استفاده كند و به همين ترتيب تا خرداد ادامه دهد. در بسياري از كشورها علاوه بر بودجه سالانه يك برنامه يا تنظيم بودجه چند ساله نيز صورت مي گيرد. معروفترين اين نوع از بودجه هاي برنامه اي، برنامه پنج ساله است.

2-اصل تعادل بودجه

بر اساس اين اصل درصد رشد هزينه ها نبايد بيشتر از درصد رشد درآمد باشد. شايد بتوان گفت كه اين اصل متأثر از ديدگاه كلاسيكها از دولت است كه از نظر آنها دولت خوب آن است كه حداقل درآمد را داشته و حداقل هزينه را انجام دهد و در امور اقتصادي دخالت نكند. در نتيجه استفاده از ابزار اقتصادي مثل سياست كسر بودجه مورد قبول نبوده و بودجه متعادل يك اصل تلقي مي شده است. چنانچه وقتي كه در دوره جنگهاي انگليس و فرانسه با ناپلئون در سالهاي 1815 و 1816 دولت انگليس با كسر بودجه مواجه شد، ديويد ريكارد و اقتصاددانان معروف كلاسيك انگليسي آن را يك فاجعه و مضر به حال سلامت اقتصاد خواندند. امروز تقريباً بسيار نادر اتفاق مي افتد كه دولتي يك بودجه متعادل را اجراء نمايد. معمولاً دولتها از نظر حسابداري براي حفظ تراز درآمدها و هزينه ها در شرايطي كه با كسر بودجه مواجه هستند. (اين مورد غالب موارد از عدم تعادل بودجه است ). قرضه دولت از مردم يا بانك مركزي را منظور مي نمايند و عمدتاً از سياست كسر بودجه براي ايجاد رشد اقتصادي استفاده مي كنند. در بسياري از نوشته هاي صاحب نظران، بودجه متأثر از اصل تعادل بودجه، اصل ديگري تحت عنوان «اصل تقدم درآمدها بر هزينه» مطرح مي نمايند. به اين مفهوم كه ابتدا درآمدها بايد مشخص شود و محاسبه گردند، سپس بر اساس پيشگويي درآمد، هزينه را پيش گويي نمايند تا از حد درآمد تجاوز ننموده و تعادل بودجه به هم نخورد. اينك با توجه به اصل تعادل بودجه و استثناهايي كه نقش جديد دولت ها ايجاد نموده به نظر ميرسد امروزه وقتي از تعادل بودجه سخن به ميان مي آيد اصل تعادل از نظر اقتصادي است .

3-اصل وحدت بودجه

بر اساس اين اصل تمام برنامه ها، فعاليتها و طرحهاي دولت، همچنين تمام درآمدها و هزينه ها و در نتيجه «بودجه» تمام دستگاهها، سازمانهاي دولتي بايد در يك جا نوشته شود و براي رسيدگي و تصويب ارائه گردد. طرفداران اين اصل چنين اظهار مي نمايند كه اگر اصل وحدت بودجه رعايت نشود و در نتيجه هر دستگاه و سازمان براي خود بودجه اي داشته باشد و با دولت براي هر دسته از كارهاي گوناگون بودجه اي جداگانه و در زمانهاي مختلف تهيه نمايد، هماهنگي و تقارن منطقي زماني و مكاني بين عمليات بخشهاي متفاوت دولتي از ميان خواهد رفت و پرهيز و جلوگيري از دوباره كاريها دشوار مي شود. از طرف ديگر اگر قرار باشد كه بودجه در بخشها و تيكه هاي مختلف و در زمانهاي متفاوت به مجلس ارائه شود، امكان رسيدگي و تجزيه و تحليل بودجه كل كشور از پارلمان سلب مي گردد. با وجود تأكيدهاي فوق در بعضي از كشورها براي دوره زماني طولاني اين اصل رعايت نمي شده است مثل ايالت متحده امريكا قبل از سال 1969 يا انگلستان قبل از اوايل قرن نوزدهم و در بعضي از جوامع گاه گاه اين اصل زير پا گذاشته شده است مثل متمم بودجه كه در بعضي از سالها پس از ارائه بودجه به دلايل مختلف مثل وقوع هزينه ها يا درامدهاي اتفاقي پيش گويي نشده، تهيه و به مجلس ارائه مي شود. فلسفه اساسي  اصل وحدت بودجه در اين است كه هر دستگاه براي خود بودجه اي نداشته باشد و دولت از كارهاي پراكنده و جزئي و روزانه خودداري نموده و قوة مقننه نيز امكان رسيدگي و تجزيه و تحليل بودجه را داشته باشد. به هر حال وحدت بودجه امكان كنترل و تجزيه و تحليل پارلمان را بر عمليات مالي دولت افزايش مي دهد و دولت وظيفه دارد تمامي بودجه را به طور يكجا و در غالب يك مجموعه به مجلس تقديم كند.

4-اصل كامليت يا جامعيت بودجه

در اين اصل به موازات اصل وحدت بودجه، توصيه مي شود تمام درآمدها و هزينه هاي دولت به هر شكل و صورتي كه هست اعم از بودجه جاري و عمراني و يا سرمايه گذاري ثابت به وسيله وزارتخانه ها، مؤسسات دولتي، شركتهاي دولتي، نهادهاي انقلابي، يعني دستگاههايي كه به نحوي از انحاء از بودجه دولت منتفع مي گردند، در سند بودجه جمع آوري و به صورت ناخالص به مجلس تقديم گردد. ناخالص بودن بودجه به اين معني است كه بايد ارقام منظور در بودجه بدون آنكه درآمدها از هزينه ها تهاتر گردند در سند بودجه درج گردد. دو قاعده كلي از اصل جامعيت بودجه مستفاد مي شود: 1) درآمدها و هزينه ها همديگر را تهاتر نكنند. 2) همه اقلام درآمدها و همه اقلام هزينه ها در بودجه عمومي منعكس گردند و هيچ چيز از قلم نيافتد. به اين صورت اگر يك دستگاه دولتي درآمدهايي دارد بايد اين درآمد را كلاً به خزانه واريز و مجدداً هزينه هاي خود را در بودجه درخواست نمايد، نبايد حتي هزينه مربوط به وصول آن درامد را از محل آن درآمد، محاسبه و مانده آن را به خزانه واريز نمايد. ماده 24 قانون محاسبات عمومي مصوب 1312 اصل جامعيت بودجه را چنين تعريف كرده است : كليه عوايد دولت بايد بوسيله متصديان مربوط مستقيماً به خزانه تحويل شود و كليه مخارج در حدود قوانين و نظام نامه هاي مربوط و مقررات راجع به هر نوع خرجي به موجب حواله و نظارت مستقيم وزارت ماليه و به وسيله خزانه دولت پرداخت شود». ماده 33 قانون محاسبات عمومي ايران مصوب 15 دي ماه 1349 اصل جامعيت را چنين تعريف كرده است: «وجوهي كه از محل درآمدها و ساير منابع تأمين اعتبار منظور در بودجه عمومي دولت وصول مي شود و همچنين درآمدهاي شركتهاي دولتي به استثناي بانكها و مؤسسات اعتباري و شركتهاي سهامي بيمه ايران بايد به حسابهاي خزانه كه در بانك مركزي ايران افتتاح مي گردد، تحويل شود. خزانه مكلف است ترتيب لازم را بدهد كه شركتهاي دولتي بدون هيچگونه قيد و شرط از وجوه خود استفاده نمايند».تبصره»: تشخيص مؤسسات اعتباري با شوراي پول و اعتبار خواهد بود. قانون اساسي در اصل 53 چنين به اصل جامعيت اشاره ميكند: كليه دريافتهاي دولت در حسابهاي خزانه داري كل متمركز مي شود و همه پرداختها در حدود اعتبارات مصوب به موجب قانون انجام ميگيرد.

5-اصل شامليت يا تفصيل بودجه

بر اساس اين اصل دولت بايد بودجه را به صورت مشروح و با جزئيات آن تهيه و تنظيم و به مجلس پيشنهاد نمايد و نمي تواند هيچ بخشي از آن را مجمل در نظر بگيرد. به اين صورت كه بايد بودجه دستگاهها و سازمانهاي مختلف به تفصيل و تفكيك درآمد و هزينه طبقه بندي شده و در قالب برنامه ها و طرحها به صورت استاني و ملي در لايحه منعكس شوند. اصل فوق بايد طوري رعايت شود كه امكان بررسي جزئيات مربوطه را به نمايندگان مردم بدهد. در واقع عدم رعايت اصل شامليت يا تفصيل بودجه، امكان تجزيه و تحليل پارلمان و تشخيص ضرورت اقلام بودجه را منتفي مي نمايد. طبق اين اصل بودجه نمي تواند به عنوان مجموعه اي از اعداد و ارقام خشك و بي روح تلقي شود بلكه مي بايد در قالب گزارشهاي مفصل توجيهي و مستدل مطرح گردد. بودجه تفصيلي در ايران براي اولين بار در سال 1344 و به وسيله سازمان برنامه و بودجه تهيه و به صورت يك كتاب به مجلس ارائه شد.